

نگاهی نو به چند اثر از رضا عباسی

رابرت انگل

توجه‌تر است . بطور کلی ، از نظر زیبایی‌شناسی ، اثر مضبوط در گالری فریر ، امتیازات بسیاری نسبت به اثر دیگر دارد . با وجود این تفاوتها ، این دو نقش ، چنان شبیه و همانندند که پیوند آنها را نمی‌توان انکار کرد . این نکته را نوشته‌های کنار این آثار که از دودست مختلف هستند ولی لغت به لغت باهم شبیه می‌باشند نمودار می‌سازد . پس می‌توانیم گفت که یکی از این دو اثر نسخه‌ای است از دیگری یا هر دو ی آنها نسخه‌هایی هستند از یک اثر مجهول دیگر و ممکن نیست که این دو اثر ، با چنین اختلافاتی از لحاظ کیفیت ، از یک هنرمند باشد ، بسیار نامحتمل می‌نماید که هنرمند پر آوازه‌ای چون رضا ، خود را تا آنجا تنزل دهد که اثر هنرمند دیگری را کپی کند . بنابراین اگر باید یکی از این دو اثر را به رضا عباسی نسبت دهیم از همه نظر ، اثر مضبوط در گالری فریر ، بر نسخه پیشنهادی خواجه عبدالرشید برتر می‌نماید . اما اجازه دهید که فعلاً از نتیجه‌گیری ، صرف نظر کنیم .

فریر (شماره ۲) آشکارا جنبه خوشنویسی بیشتری دارد و از مشخصات آن خطوط موجی است که ضخامت آنها متغیر می‌شود و درشتی آنها زیاد و کم می‌گردد . چنانکه گاهی از نازکی ، خطوط محو می‌نماید . این شیوه نقاشی به سبک خوشنویسی به اثر تحرکی بخشیده است که در (شماره ۱) که ضخامت خطوط کمابیش یکسان است وجود ندارد .

۲ - بسیار نکات باریک ، در نسخه فریر با تحرك بیشتری پرداخته شده است . مثلاً انتهای شال کمر باربزه کاربهای زیبا و پراکنده‌ای پرداخته شده ، چینهای سرآستینها و گره شال و خطوط چهره بادقت و احساس و باریکی خاصی نمودار شده‌اند .

۳ - نسبت بازوی چپ با سرو بازوی راست ، در اثر شماره یک ، با گونه‌ای خام دستی پرداخته شده . در اثر شماره ۲ سر ، بیشتر به پیش متمایل است و بازو ها در جهات نسبتاً متفاوتی قرار دارند ، که این خود از خام دستی مندرج در اثر دیگر ، تا حدی پرهیز می‌کند و نمودار حالتی نسبتاً جالب

گفتار خواجه عبدالرشید در شماره مورخ اسفند ۱۳۵۳ مجله هنر و مردم (صفحات ۲۰ تا ۲۷) دست کم از نظر عنوان گفتار ، دارای دو هدف مشخص بود : یکی انتشار سه اثر منتشر نشده رضا عباسی و دیگری باز شناختن آثار و شخصیت سه تن از هنرمندان دوران صفوی : علیرضا عباسی ، آقا رضا و رضا عباسی . اینک به بررسی گفتار خواجه عبدالرشید - از این نظر که در هدف خود تا چه حد کامیاب بوده است - می‌پردازیم :

یکی از سه اثر نقاشی رضا عباسی را که در آن گفتار درج شده بود (تصویر شماره یک که در اینجا نیز تحت عنوان تصویر شماره یک آمده است) به اختصار «زائر مشهد» یا «زوار امام رضا می‌خوانیم» . اما تصویری که با شماره ۲ به دست داده‌ایم ، از مینیاتور دیگری است مضبوط در گالری فریر در شهر واشنگتن که نقش آن مناسب همین عنوان است و در نظر اول ، نسخه دوم اثر شماره یک می‌نماید . اما بادقت بیشتر متوجه بعضی اختلافات می‌شویم :

۱ - خطوط اثر مضبوط در گالری

مینیاتور دیگری از یک شبان و یک گوسفند (شماره ۳) درگفتار خواجه عبدالرشید درج و بهر رضا عباسی نسبت داده شده است. یک اثر دیگر هم مانند مورد سابق - مشابه این اثر - (شماره ۴) زمانی در مجموعه پریش واتسون در نیویورک وجود داشت. در اینجاست همانندی میان این دو اثر فراوان است، چنانکه یکی از این دو، نسخه بدل دیگری است، یاهر دو نسخه‌های کپی‌شده از اثر ثالثی است که بر ما مجهول است. در عین اینکه میان این دو اثر اختلافاتی مشهود است، اما از نظر کیفیت، دارای آن میزان از اختلاف نیستند که در مورد پیشین دیده می‌شد. اما در نسخه پریش واتسون (شماره ۴) چینهای پارچه، در سر آستین‌ها و زیر بغل و دامن با ظرافت و تحرک بیشتری از اثر دیگر (شماره ۳) پرداخته شده‌اند. پشمهای پشت حیوان هم با استادی بیشتری کشیده شده است. ولی کیفیت خطوط از نظر خوشنویسی، آنچنانکه در نسخه گالری فریر (شماره ۲) وجود دارد، در هیچیک از این دو نسخه نیست. نکته قابل سنجش دیگر میان نسخه شماره ۳ و شماره ۴ نوشته‌های کنار آنهاست با خطوطی همانند، ولی احتمالاً گوناگون، بایه‌همه در هر دو نام رضا عباسی درج شده است. یک اختلاف اساسی در عبارت پیش از نام هنرمند هست که در یکی «راقم کار» و در دیگری «رقم کمینه» می‌باشد. عبارت اخیر که حاکی از فروتنی است خاص هنرمندان دوران صفوی و خاصه رضا عباسی است. این نکته را خواجه عبدالرشید نیز در گفتار سابق - الذکرش یادآور شده است. عبارت «رقم کار» متضمن نکته‌ای است نمودار بی‌سوادی کاتب. بنابراین اگر بخواهیم یکی از این دو را به رضا عباسی منسوب کنیم، از هر جهت نسخه پریش واتسون برتری دارد. اما باز هم بهتر است از نتیجه‌گیری در این مرحله نیز خودداری کنیم.

مورد سوم از کارهایی است که خواجه

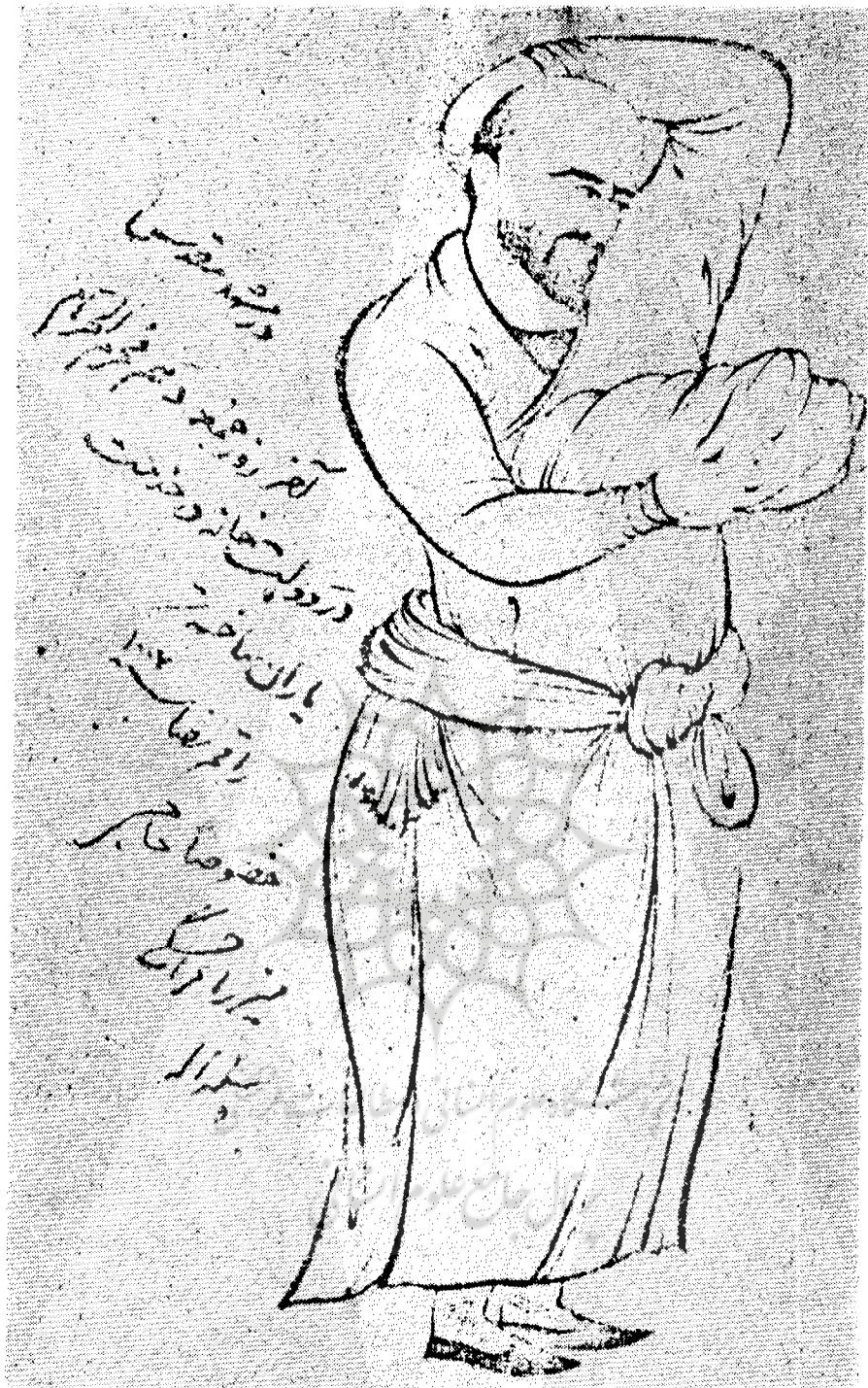
عبدالرشید به رضا عباسی منتسب ساخته است: نقشی است چندمضمونی (شماره ۵) که در آن چهار اسب، ازدو سر ساخته شده‌اند. در این مورد هم مانند دو مورد دیگر، نسخه دیگری در دست است در گالری فریر در واشنگتن (شماره ۶) که همانند است و چنین می‌نماید که یکی نسخه بدل دیگری یاهر دو کپی اثر سومی است که بر ما مجهول است. ولی در این مورد، نسخه پیشنهادی خواجه عبدالرشید است که دارای خطوط سبک خوشنویسی بیشتری است (شماره ۵) در نسخه دیگر (شماره ۶) ضخامت خطوط یکسان است. این که هر دو نسخه دارای نوشته‌ای هستند از دو کاتب جداگانه، اما در هر دو نسخه نام رضا عباسی مندرج است: یکی با عبارت «رقم رضا عباسی» و دیگری با عبارت «رقم کار رضا عباسی». عبارت اول فاقد لحن متواضعانه خاص رضا و دیگر هنرمندان دوران صفوی است، در صورتی که عبارت اخیر، متضمن حشو قبیح و نامفهومی است. ولی از آنجاکه کیفیت کار در نسخه شماره ۵ بهتر است اگر بنا بود یکی را به رضا عباسی نسبت دهیم همین را اختیار می‌کردیم. اما باز هم اجازه بدهید - فعلاً - از نتیجه‌گیری خودداری کنیم.

تاکنون ۶ مینیاتور را بررسی کردیم که همه متضمن نام رضا عباسی هستند و در آنها سه مضمون نمودار شده است. چون نسخه بدل‌های هر یک از مضامین را بررسی می‌کنیم و از لحاظ سبک‌شناسی می‌سنجیم، درمی‌یابیم که هیچیک از این نسخه‌های دوگانه کار یک تن نیستند. چون خطوط نقاشیها را بررسی می‌کنیم، اختلاف سبک، آشکارا به چشم می‌خورد، با آنکه در کشیدن خطوط بعضی اختلافات مشاهده می‌شود، از لحاظ سبک‌شناسی، نسخه‌های شماره ۱ و ۳ و ۵ اثر یک هنرمند می‌نماید. همچنین چه‌بسا که نسخه‌های شماره ۲ و ۴ که با نسخه‌های شماره ۱ و ۳ و ۵ آشکارا متفاوت است از یک هنرمند باشد. نسخه شماره ۶

با خطوط ثابت یک میزان از نظر سبک‌شناسی، با همه نسخه‌های دیگر متفاوت است و ظاهراً نقاش آن با نقاشی‌های دیگر مورد بحث ما فرق دارد. پس می‌توان تنها بر اساس ملاحظات سبک‌شناسی فرض کرد که شش اثر سابق الذکر، دست کم اثر دست سه هنرمند مختلف است.

اینک به نوشته‌های کنار نقاشیها توجه کنیم تا بلکه راه‌گشای ما شوند. عبارت شماره‌های ۱ و ۲ یکسانند اما ظاهراً خطها از دو تن است. زیرا یکی از آنها شیوه‌ای روان است. در شماره‌های ۳ و ۴ که عبارات با هم متفاوت است ولی خطها ظاهراً همانند است و از یک تن می‌نماید. اما این خطها از سیاق خطهای شماره‌های ۱ و ۲ متفاوت است. نوشته‌های شماره‌های ۵ و ۶ با هم چه از نظر عبارات و چه از لحاظ شیوه خوشنویسی متفاوت است. خط شماره ۶ نمودار بی‌سوادی نگارنده است و نوشته شماره ۵ همانند شماره یک است. بدینگونه از سنجش شیوه خوشنویسی می‌توان خطها را از چهار کاتب شناخت. خطهای شماره یک و پنج از یک کاتب است و خطهای شماره ۳ و ۴ از یک کاتب. خطهای شماره ۲ و ۶ نیز از دو کاتب جداست. خط شماره‌های ۱ و ۵ از نظر شیوه کتابت همسان می‌نماید. سابقاً این دو خط را از نظر سبک خوشنویسی متفاوت تصور کرده بودیم. در نتیجه نوشته‌های شماره ۱ و ۵ است که هم از نظر شیوه خط و هم از لحاظ نقاشی یکسان است. پس در این صورت برخلاف گذشته‌ها که تصور می‌شد این تصاویر از سه هنرمند است، حالا چنین می‌نماید که اینها از پنج هنرمند است. یکی نگارنده شماره‌های ۱ و ۵ و دیگر نقاشیها از آن نگارندگان متفاوت است.

تاکنون گویا کاری نکرده باشیم جز کاشتن تخم تردید در ذهن خوانندگان. اما این همان نکته‌ای است که می‌خواهیم درباره آثار رضا عباسی پیش بکشیم. به‌عللی که بعداً به آن می‌پردازیم، ضروری



تصویر شماره ۱



تصویر شماره ۳

است که خوانندگان نسبت به انتساب هراتری بدین هنرمند در تردید و شک باشند. زیرا که باز شناختن اصالت آنها بفرنج و دشوار است. پس چگونه می‌توان آثار رضا را باز شناخت و دریافت که از این آثار مورد بحث کدام از آن اوست؟ حالا باز هم این بررسی پیش از آنکه به روشنی گراید تاریک‌تر و مبهم‌تر هم خواهد شد. زیرا حالا باید پیردازیم به دومین نکته‌ای که خواجه عبدالرشید بدان اشاره کرده است. خواجه عبدالرشید کوشیده است شرح احوال سه هنرمندی را که نامشان کمابیش همانند است و با هم معاصر بوده‌اند روشن سازد. اینان عبارتند از رضا عباسی، و آقا رضا. به گفته خواجه عبدالرشید، علیرضا عباسی تهریزی خوشنویس دربار شاه عباس و از کارهای او خطوط پیرامون گنبد مسجد شیخ لطف‌الله است. در نتیجه او نمی‌تواند با آثار مورد بحث ما ارتباطی داشته باشد.

رضا عباسی چنانکه خواجه عبدالرشید هم گفته است، نقاش دربار شاه عباس بود. شهرت او از نام شاه است و بسیاری آثار باامضای او در دست است که عبارت «رقم کمینه رضا عباسی» بر آنها نوشته شده است. ارنست کونل در حدود چهار سال پیش از نخستین کسانی بود که پی برد به اینکه اصالت امضای رضا تنها با این عبارت است.^۲ ضمناً یک هشدار هم داده است که نباید تصور شود که همه آثار آثاری که چنین عبارتی دارند از آن رضا است. کونل می‌گوید که چون رضا نام آورگشته بود، معاصران نازل مرتبت او و گردآورندگان نقاشی برای پربها ساختن اثر خویش آنها را با امضای رضا می‌آراستند. بنابراین کونل پیشنهاد می‌کند که در باز شناختن امضای رضا دقت بسیار لازم است.

ایوان سچوکین در ۱۹۶۴ این پیشنهاد را اندکی تکمیل کرده است و گفته است که باید اثر از نظر شیوه نقاشی هم قابل مقایسه باشد^۳ از این نظر پس حتی نقاشیهای امضا

دار و تاریخ‌دار هم باید از نظر شیوه نگارش با آثار اصیل رضا سنجیده شوند. او در تشریح آثار رضا فهرستی از ۲۶ نقاشی را به دست می‌دهد که از نظر او اصیل هستند.^۴ سپس ما نیز توانستیم بر این فهرست آثاری بیافزاییم و بابه کاربردن روش پیشنهادی سچوکین، تعداد این فهرست را به ۳۶ برسانیم. این مینیاتورها در فاصله ۳۱ سال ۱۶۰۳/۱۰۱۱ تا ۱۶۳۴/۱۰۴۴ نگاشته شده است و خود استوارترین اسناد درباره نحوه دگرگونی کار هنرمند مورد بحث ماست. این آثار اساس بررسی ماست برای باز شناختن کارهای رضا عباسی. حالا ببینیم در باز شناختن آثار رضا، عبارهای دیگری هم وجود دارد؟ یک دسته از آثار هست که امضا ندارد، اما از نظر شیوه نقاشی شبیه آثار اصیل رضا هستند. ولی باید پیردازیم به بررسی دسته‌ای آثار که منتسب به آقا رضا هستند.

خواجه عبدالرشید در گفتار مورد بحث ما اشاره به سخن بهرامی می‌کند که گفته است آقا رضا و رضا عباسی هر دو یک تن هستند. خواجه عبدالرشید این نظر را رد می‌کند و می‌گوید اینها دو هنرمند جدا هستند و آقا رضا زمانی به هند رفته است و در دربار اکبر و جهانگیر بوده است. این نتیجه‌گیری از اطلاعاتی است که در دو متن آمده بوده است. نخست عالم‌آرای عباسی است که در آن اسکندر بیک منشی به هنرمندی آقا رضا نام پسر علی‌اصغر کاشانی اشاره کرده است. این هنرمند در نگاشتن تک‌چهره اعجاز میکرد ولی متکی به نفس بود و نیز بدرفتار و مردم‌گریز. متن دوم «تروک جهانگیری» است که در آن اشاره‌ای به هنرمندی آقا رضا نام رفته است از مردم هرات. خواجه عبدالرشید از این اشارات نتیجه‌گیری کرده است که آقا رضا احتمالاً از دربار شاه عباس به سبب بدخوئی رانده شد و سپس به دربار هند رفته است. خواجه عبدالرشید برای اثبات این نظریه می‌توانست از یک سند

دیگر هم برخوردار شود و آن گلستان هنر قاضی احمد است در ۱۶۰۶/۱۰۱۵ که که مطلبی نظیر عالم‌آرا به دست می‌دهد^۵. اما به نظر ما در سخن خواجه عبدالرشید تناقض است. هم قاضی احمد و هم اسکندر بیک منشی به آقا رضا همچون هنرمندی که در دربار شاه عباس به هنگام فراهم آوردن تألیف خویش اشاره می‌کنند. قاضی احمد گلستان هنر را در ۱۶۰۶/۱۰۱۵ تجدید نظر کرده است و تجدید نظر در عالم‌آرای عباسی از ۱۶۱۶/۱۰۲۵ است. با این همه اکبر بزرگ که آقا رضا برای او کار می‌کرده است در ۱۶۰۵/۱۰۱۴ در گذشته است. آقا رضای جهانگیری که نام هنرمندی است که برای اکبر و جهانگیر هر دو کار کرده است با آنکه شیوه آثارش سیغه ایرانی دارد با آقا رضای هنرمند دربار صفوی متفاوت است.^۷ خواجه عبدالرشید ظاهراً این دو تن را در هم آمیخته است و آقا رضای جهانگیری و آقا رضای هنرمند دربار شاه عباس را یکی انگاشته است.

نظر بهرامی درباره آقا رضا امری ابتکاری نبود بلکه نخستین بار شوئتر در ۱۹۱۴ آن را بیان کرده است^۸ و تاکنون توسط اسلام‌شناسانی مانند سرتامس آرنولد و ارنست کونل و انده کومرسومی و ایوان سچوکین و رایینسون^۹ پذیرفته شده است. شواهد و استدلال برای پذیرش این نتیجه به‌قرار ذیلند:

۱- در شرحهای معاصر مانند آثار قاضی احمد و اسکندر بیک منشی تنها از یک هنرمند برجسته آن روزگار به نام آقا رضا پسر علی‌اصغر کاشانی یاد شده است. کاملاً غیر محتمل است که در شرح‌نقاشان دربار شاه عباس از استادی مانند رضای عباسی که هنوز هم از بسیاری آثاری که در دست است و تاریخ بسیاری از آنها از پیش از زمان تدوین گلستان هنر و عالم‌آرای عباسی است یاد نشده باشد. پس این هر دو باید یکی باشند.

۲- در شرحهای آمده در این متون

Reza of the court of Shah 'Abbas.

8 - Philipp W. Schulz, *Die Persische-islamische Miniaturmalerei*, Leipzig, 1914, Vol. I, pp. 186-191.

9 - Sir Thomas Arnold, *op. cit.*, pp. 145-147; Ernst Kühnel, *op. cit.*, pp. 1888, 1891-1892; A. Coomaraswamy, "Les miniatures orientales de la collection Goloubew au Museum of Fine Arts de Boston", in *Ars Asiatica*, Brussels and Paris, Vol. 13, 1929, 110, 111, 80; Ivan Stchoukine, *op. cit.*, pp. 85-133; B.W. Robinson, *Persian Miniature Painting from Collections in the British Isles*, Victoria and Albert Museum, 1967, p. 64.

10 - 98 G in the Princeton University Library, Princeton, New Jersey. Formerly in the B. Quaritch Collection, London. Illustrated in the following: Fredrick R. Martin, *Miniature Painting and Painters of Persia, India, and Turkey, from the 8th to the 18th Century*, London, 1912, fig. 32; T.W. Arnold, "Some Unpublished Persian Paintings of the Safavid Period", in *Journal of Indian Arts and Letters*, London, 135, July 1916, p. 69; Armenag Sakisian, *Miniature Persane du XIIe au XVIIe siècle*, Paris, 1929, plate C; Arnold and Grohmann, *The Islamic Book*, Florence, 1929, plate 75; David T. Rice, *Islamic Art*, New York, 1965, fig. 246; Ernst Grube, *Muslim Miniature Paintings from the XIII to XIX Century from Collections in the United States and Canada*, Venice, 1962, 118.

11 - Kühnel, *op. cit.*, p. 1893.

۱۲ - شاعری که سگها بدو حمله ور شده اند، مابقاً در مجموعه دموت Demotte بود و اکنون در يك مجموعه خصوصی در لندن است. این قطعه بر اثر ذیل مندرج است:

Ernst Kühnel, *Persische Miniaturmalerei*, Berlin, 1959 tafel 35.

بررداری شده» * و بقیه نوشته به هنگام صحافی بریده شده است. دومین نوشته چنین است: «این دسته از نقاشیها در جمعه اول جمادی الاولی (۲۰ مارس ۱۶۵۴) روز سال آقا رضا رحمة الله توسط حقییر شفیع عباسی کشیده شد» * این دو نوشته نامهای آقا رضا را بارضای عباسی پیوند می دهد و آنان را يك تن می نماید. محمد شفیع عباسی نقاش دوران اخیر صفوی که نخست به ساختن گلها و مرغان شهرت یافت و همان کس که نوشته دومی را امضا کرده است همانا پسر رضای عباسی است. این پیوند پسری از نوشته ای بر يك اثر رضای عباسی مضبوط در کتابخانه ملی پاریس روشن می شود که در آن نوشته شده است که این نقاشی به «نتیجه محمد شفیع»

حواشی

۱ - مجموعه بریش و اتسون چندسال پیش ناپدید شد و محل کنونی نقاشی مورد بحث ما اینک معلوم نیست. شماره ۴ مندرج در این گفتار از A. U. Pope, *Survey of Persian Art*, London and New York, 1935, plate 917 B.

2 - Ernst Kühnel, "Painting and the Art of the Book", in *Survey of Persian Art*, page 1895.

3 - Ivan Stchoukine, *Les Peintures de Shah 'Abbas le 1er à la fin des Safavis*, Paris, 1964, page 97.

4 - *Ibid.*, pp. 99-119.

5 - *Calligraphers and Painters*, a treatise by Qazi Ahmad, circa 1015/1606, translated by T. Minosky, *Freer Gallery of Art Occasional Papers*, Vol. 3 par 2, 1959, pp. 192-193.

6 - Sir Thomas Arnold, *Painting in Islam*, London, 1928, page 140.

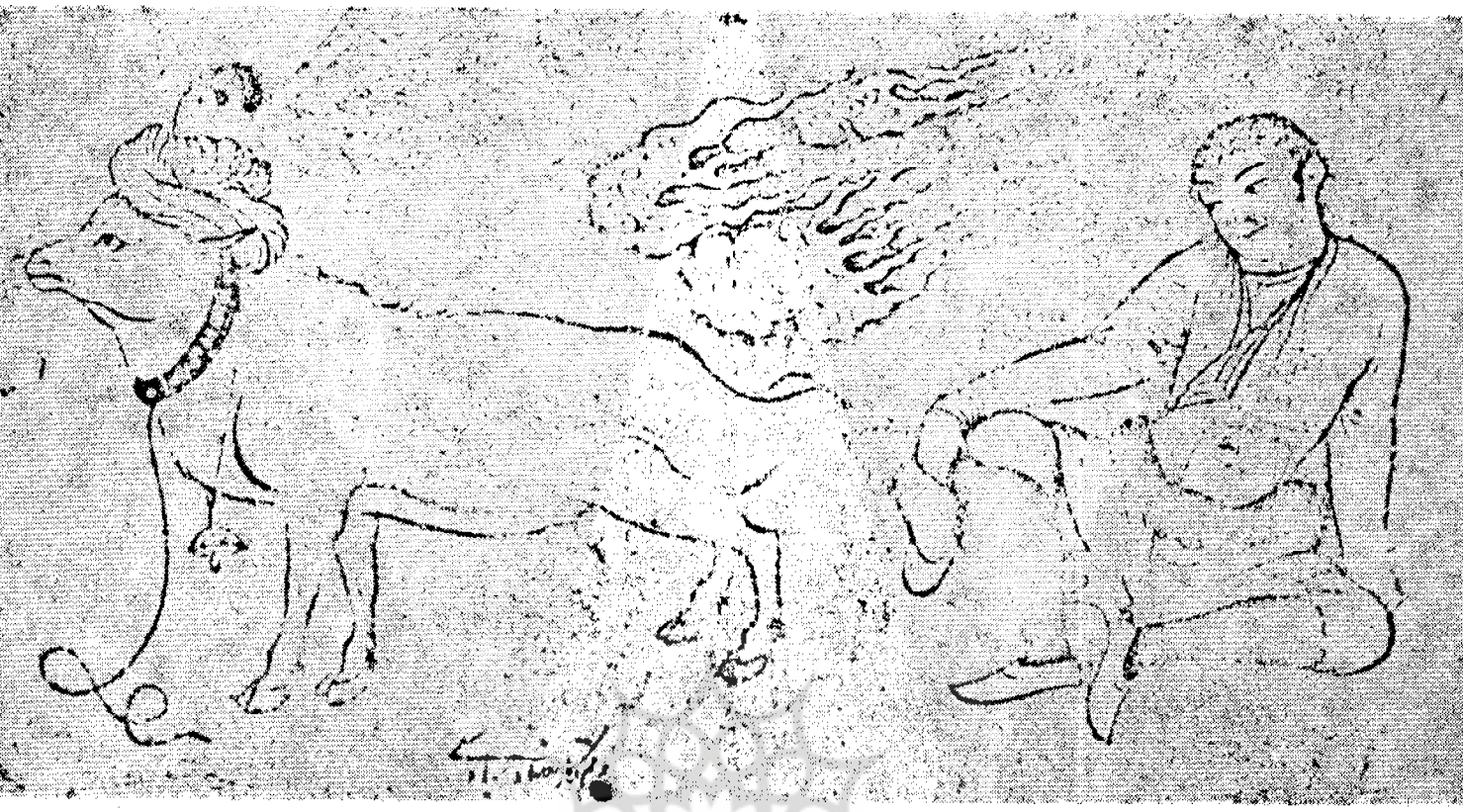
7 - Cf. plate 24, Stuart C. Welch, *The Art of Mughal India*, New York, 1963, for Aqa Reza Jahangiri, and plate 8 of this article for Aqa

با آنکه مختصر هستند بعضی خصوصیات آمده است که بارضای عباسی منطبق است. در آنها از چیره دستی استاد درنگ چهارم نگاری و باریکی و ظرافت کارهایش سخن رفته است. همچنین اشاره به اتکای به نفس او که این همه نقاشی را امضا کرده نکته ای است نو در هنر ایرانی که در گذشته هنرمندان یا امضا نمی کردند یا اگر میکردند در جاهای مجهول و نسبتاً غیر چشمگیر می گذاشتند. سرانجام باید گفت که نوع مضامین او از زندگی مردم طبقات نازل گرفته می شد.

۳ - آقا عنوان سپاس آمیزی است که دیگران به کسی می دهند و خود شخص آن را در امضای خود نمی آورد. عباسی جزئی از نام او نیست که بهنگام تولد بر او گذاشته باشند، بلکه نامی بود که به پاس خدماتش به شاه عباس به او داده بودند، پیش از آنکه به خدمت شاه عباس در آید، رضا امضا می کرد نه آقا رضا. پس محتمل است که همه این نوشته هائی که در آن آقا رضا آمده است دیگران نوشته باشند و نه خود هنرمند. این مطلب از وجود آثار دستهای مختلف مندرج در این نوشته ها معلوم می گردد.

۴ - اثری به نام رضای عباسی در پرینستون مضبوط است که از یکی از شاگردان اوست که در حد خود هنرمندی برجسته بود به نام معین مصور. این هنرمند نامهای استاد و خود را با هم پیوند داد. در یک جا امضای معین چنین آمده است: «... رضای مصور عباسی مشهور به رضا عباسی اشعر»^{۱۰} گویا اشعر تحریفی باشد از اصغر^{۱۱} و اشاره ای به همین علی اصغری که قاضی احمد و اسکندر بیگ منشی او را پدر آقا رضا می دانند.

۵ - يك نقاشی رنگی در مجموعه ای در لندن^{۱۲} مضبوط است که از واقعه ای است از کتاب گلستان سعدی با دو نوشته. نوشته اول چنین است: «این کار از اثر بهزاد در یوم چهارشنبه ۱۰ صفر ۱۰۲۸ (۲۸ ژانویه ۱۶۱۹) به توسط رضا مصور عباسی نسخه



تصویر شماره ۳

درباره «بازشناختن زندگی و آثار سه هنرمند همانند نام» به نظر من آنچنانکه نمودار ساختم آقا رضا و رضای عباسی يك تن هستند. این هنرمند هرگز به هند نرفته است و آن که به نام آقارضا جهانگیری مشهور است و جهانگیر به او اشاره می کند و آثار او را می شناسیم کس جداگانه ای است.

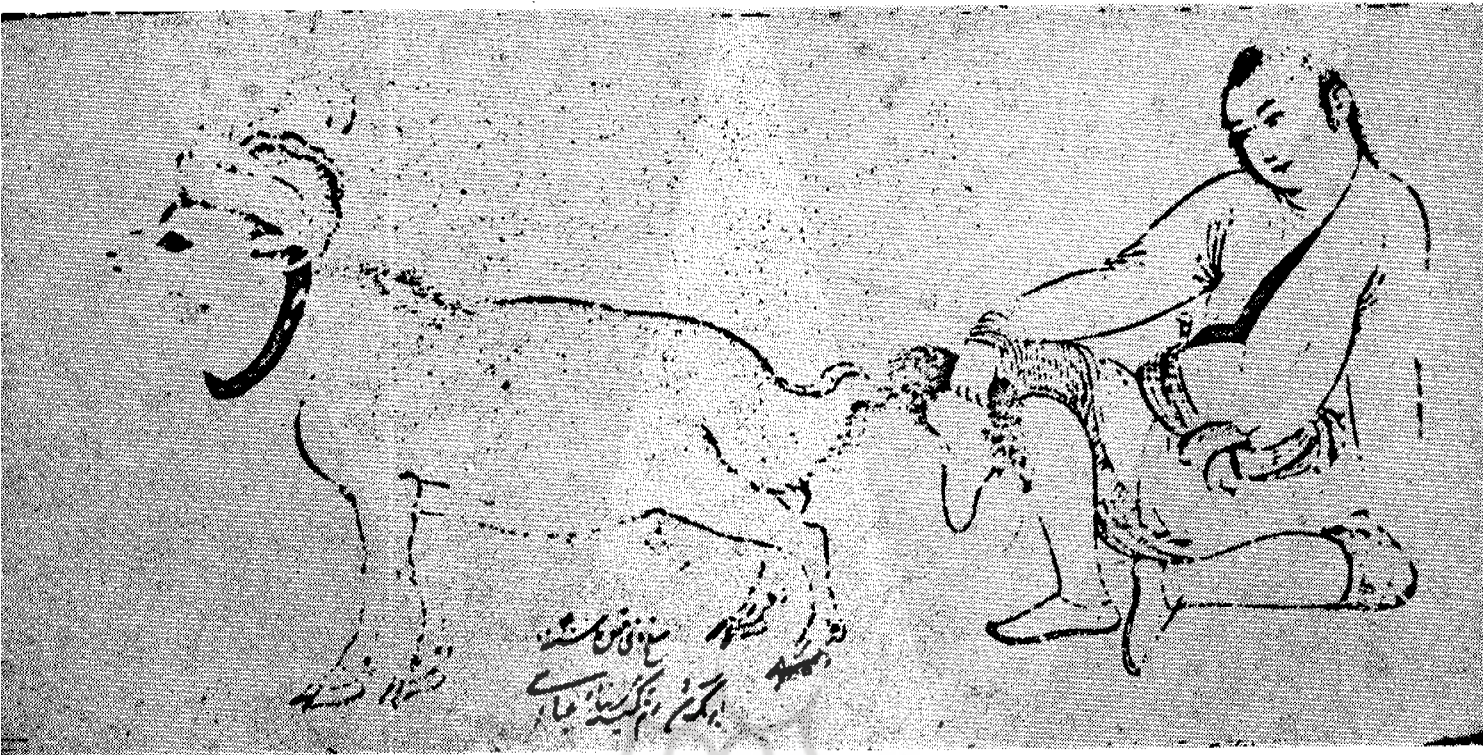
هدف دیگر خواجه عبدالرشید انتشار سه نقاشی انتشار نیافته از رضا عباسی بود. تا آنجا که معلوم است سه اثری که در آن گفتار ارائه شده است قبلاً انتشار نیافته است و از این جهت اختلافی نداریم. اما بسیار تردید داریم در اینکه این آثار از رضای عباسی باشند. نمی توانیم به خواننده این نکته را ثابت کنیم مگر با انتشار بیشتر آثار این هنرمند به منظور مقایسه. زیرا

رضا عباسی (شماره ۷) و دیگری مضبوط در کتابخانه ملی پاریس با امضای آقا رضا (شماره ۸). رابینسون این مقایسه را بدین ترتیب بیان می کند:

«هیچکس از مقایسه دقیق این دو اثر نمی تواند شك کند که اینها اثر يك تن است. اما دشوار می نماید که ظرافت و باریک کاریهای آثار سابق را با درستی و خشونت ... (آثار اخیر) ... همانند پنداریم پنداریم و آقا رضارا با رضای عباسی یکی بدانیم^{۱۰}. این مقایسه شیوه ها را می توان با ملاحظه آثار دیگر متعلق به همین روزگار با امضای آقا رضا روشن و استوار ساخت^{۱۱}. اکنون برگردیم به هدف اصلی این گفتار: آنچنانکه در بند اول آوردیم که همانا بررسی گفتار خواجه عبدالرشید باشد.

اهدا شد^{۱۳}. نتیجه هم به معنی فرزند نوه است که امکان آن محتمل است، اما بسیار بعید است زیرا رضای عباسی در آن هنگام ۵۵ یا ۶۰ ساله بوده است. ولی يك تعبیر دیگر آن که مفهوم نتیجه است صرفاً از نظر شرعی، یعنی فرزند از زن صیغه یا عقدی. تصادفاً شفیع عباسی شهرت خود را از پدر به ارث نبرده است، بلکه مانند پدر از راه جستن به دربار شاه عباس دوم بدان دست یافته است.

۶ - بازپسین برهان مربوط می شود به شیوه نقاشی که اصلاً آن را ایوان سچو کین پیش کشیده است^{۱۴}. هرگاه در یکی بودن آقارضا با رضای عباسی شبهه ای باشد این مقایسه می تواند آن را رفع کند. دو اثر تحت شماره های ۷ و ۸ ارائه می شود که یکی از موزه فیتز ویلیام است با امضای



تصویر شماره ۴

14 - Stochoukine, *op. cit.*, plate XXXIII.

15 - B. W. Robinson, *Persian Miniature Painting, etc.*, *op. cit.*, p. 75.

16 - Young man, seated, leaning on a cushion, Metropolitan Museum of Art 55.121.39, illustrated in color by B. W. Robinson, *Persian Drawings etc. op. cit.*, plate 60. Youth kneeling on a cushion, Fogg Art Museum, 1952. 7, illustrated by Antony Welch, *Shah 'Abbas and the Arts of Isfahan*, New York, 1973, 7.

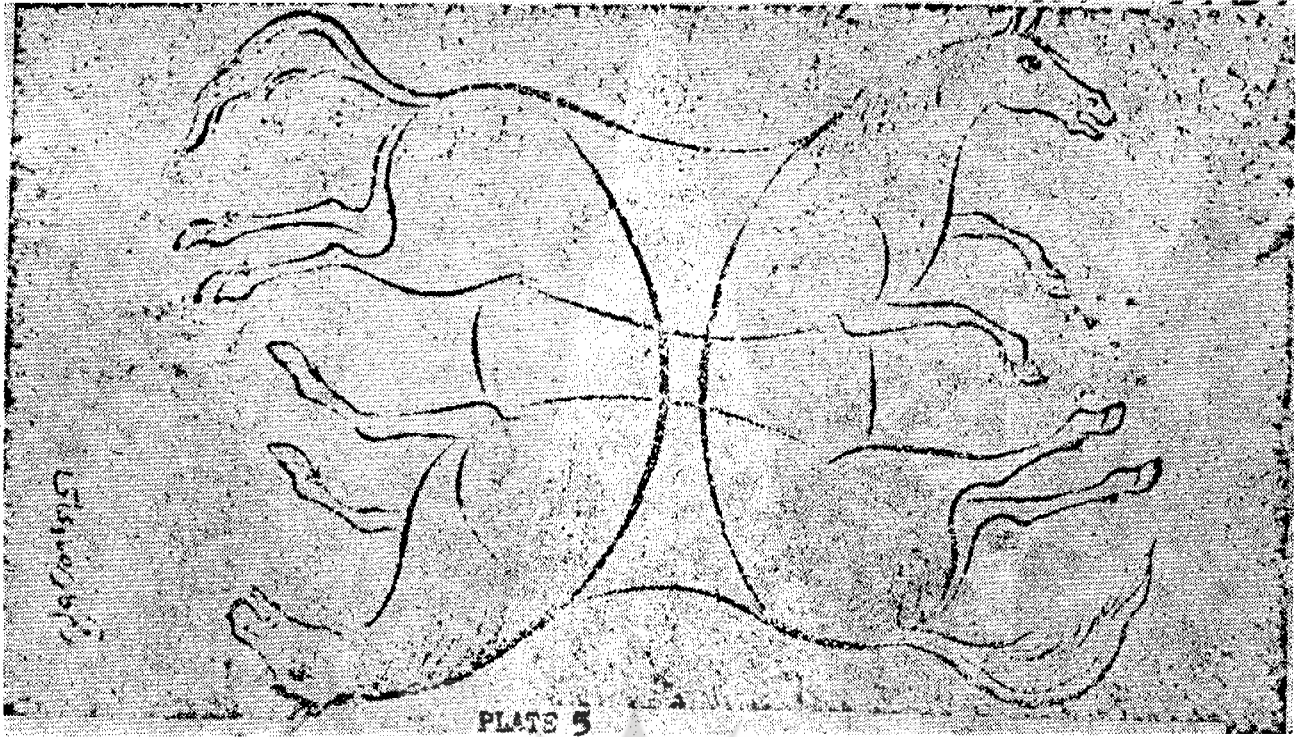
17 - The text for our monograph on Reza-i 'Abbasi has been completed, and hopefully will be published in Tehran, fully illustrated, in the near future.

رضا دانست و آن همانا زائر مشهد مضبوط درگالری فریبر (شماره ۲) است این داوری تنها براساس سبک‌شناسی قرار دارد و الا نوشته کنار اثر از رضای عباسی نیست. بنابراین قضاوت کاملاً یقینی نیست. با مقایسه آن با دیگر آثار رضا می‌توان نتیجه گرفت که در تاریخ ۱۰۰۷/۱۵۹۸ شاه

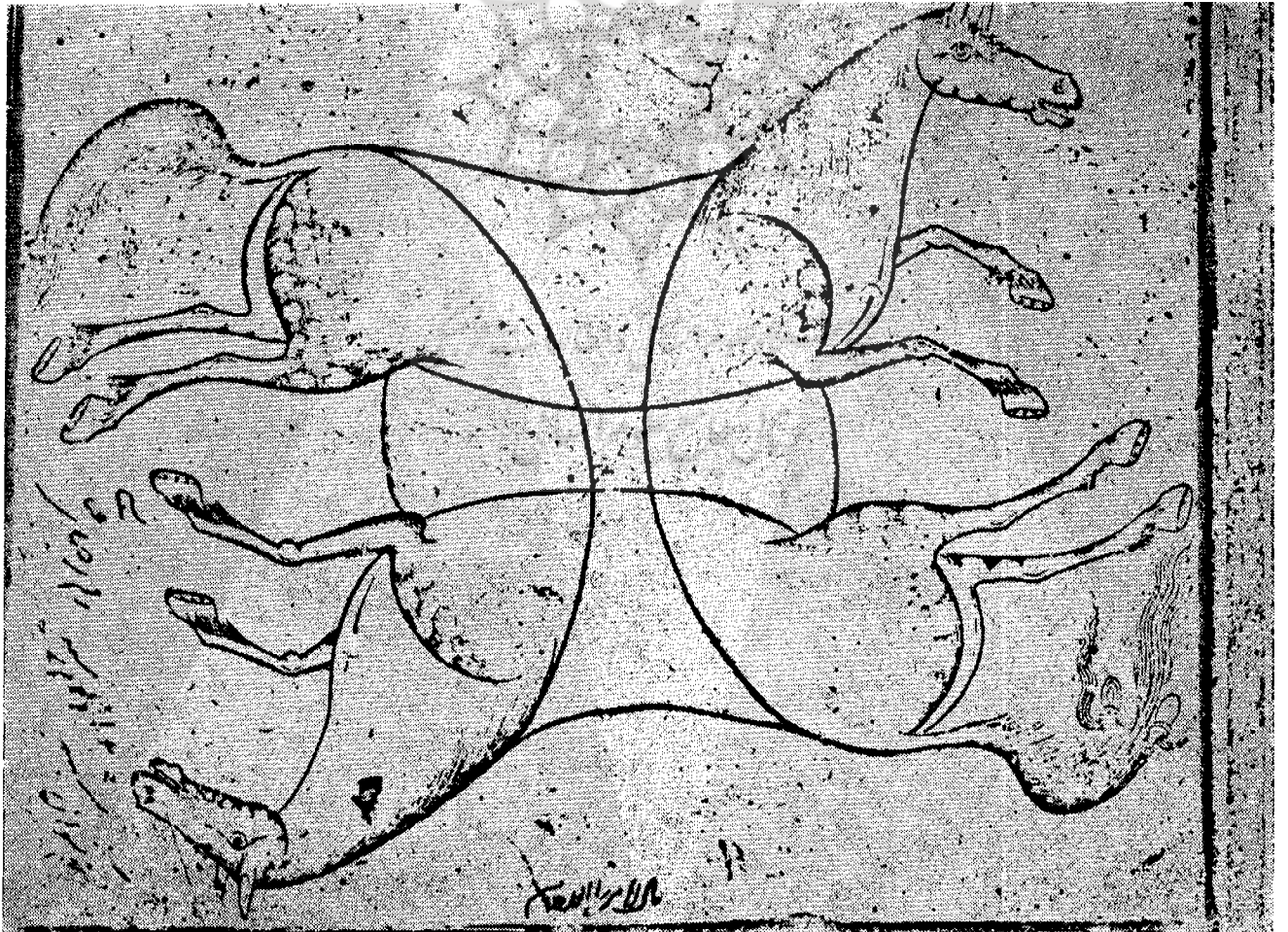
13 - Lady counting on her fingers, Bibliothèque Nationale, Paris, Suppl. persan 1572, fol. 5. Undated but circa 1625-1630. Illustrated in color by B.W. Robinson, *Persian Drawings from the 14th through the 19th Century*, New York, 1965, plate 61. The inscription, largely effaced, is not legible in the reproduction.

تعداد آثار او به هفتاد می‌رسد و چنین کاری هم در این مقاله میسر نیست^{۱۷}. برای این موضوع خواننده باید تا انتشار کتابی که در این باره پرداخته‌ایم در انتظار بماند. اما در ضمن درانتساب این آثار به آن استاد تردید فراوان وجود دارد. اگر رضای عباسی نقاش باشی دربار شاه عباس اول زائر امام رضا را که در شماره یک آمده است پرداخته باشد، آنکس که اثر بسیار برتر مضبوط درگالری فریبر را نگاشته است و تحت شماره ۲ آن را آورده‌ایم چه کسی است؟

پس از بیش از هفت سال بررسی آثار و شرح احوال رضای عباسی به نظر ما چنین می‌رسد که از نخستین شش اثری که مورد بحث قرار دادیم (شماره‌های ۱ تا ۶) تنها یکی دارای آن کیفیتی است که بتوان از



تصوير شماره ٥



تصوير شماره ٦

عباس سپاه ایران را به جنگ ازبکان به خراسان برده و در تابستان آن سال نیشابور و مشهد را مسخر گردانیده بود.^{۱۸} در ضمن اقامت در مشهد به منظور ایجاد یک دارالصنایع موقت دستور داد تارضا عباسی با گروهی از نقاشان دربار^{۱۹} بدانجا بیاید. این شاید مشتمل بود بر رضا. گذشته از دلایل بالا روز جمعه یازدهم محرم الحرام در ۱۰۰۷ در تقویم آن سال مصادف و مقارن است. پس می‌توان فرضیه زیر را که کاملاً حدس است بیان داشت. فرض کنید که رضا در ۱۰۰۷ از این موضوع قطعه‌ای برداشته باشد و در کنار آن نوشته‌ای از نام و سازنده و تاریخ و محل آنچنان که در شماره ۲ آمده است نوشته باشد. پانزده یا بیست سال بعد بدعلتی شاید قطعه اصلی گزند دیده باشد یا رضا بنا بر سائقه ذوق قطعه دیگری از همان مضمون ساخته باشد. اما اثری را که امضا نکرده گذاشته است به شیوه روزگار اخیرش بوده است. در نتیجه کسی از تردیکان که از نوشته مندرج در قطعه اصلی خبر داشته است اطلاعات خود را به نسخه اخیر منتقل ساخته است. این قطعه اخیر قلمی رضا همان قطعه شماره ۲ مضبوط در گالری فریر است. اما نسخه دیگر که همان شماره ۱ باشد بی‌گمان کپیته نازلتری است به دست یکی از شاگردان نقاش یا مقلدی که از روی نسخه گالری فریر ساخته است. زیرا این نیز نمودار شیوه نقاش دوران اخیر رضا است و نه سبک سال ۱۰۰۷ او.

نقاشی مرد جوان و گوسفند مضبوط در مجموعه پریش واتسون (شماره ۴)



تصویر شماره ۷

18 - Stchoukine, *op. cit.*, p. 16.

19 - Antony Welch, "Painting and Patronage Under Shah 'Abbas I", in *Iranian Studies*, (Studies on Isfahan, part II) Summer-Autumn 1974, Vol. VII, Numbers 3-4, page 478 with further references.